



مقدمه

شخصیت، آزادی فکر و اراده، اصل مالکیت، مساوات در برابر قانون، دفاع از حقوق مشروع و ... هیچ فردی را به استناد اینکه سفید یا سیاه است، مرد یا زن است، کارگر یا سلطان است، روستایی یا شهرنشین است، نمی‌توان از حقوق انسانی محروم کرد.

افزون بر این، قرآن کریم در آیات فراوانی حقوق زن را به عنوان یک انسان مطرح کرده است و از این جهت، زن حقوق مشترکی با مرد دارد که برخی از این حقوق فردی و برخی اجتماعی‌اند. زن به عنوان عضو خانواده نیز مطرح است و در کنار مرد، هردو از حقوق مشترک خانوادگی و حقوق اختصاصی برخوردارند که در اینجا به مهم‌ترین حقوق مشترک آن‌ها اشاره می‌شود.

کلیدواژه‌ها: زن، مرد، قرآن، آزادی، کرامت، حقوق

از دیدگاه اسلام، زن عضو کامل و مستقل جامعه است و از نظر کمالات انسانی، فرقی بین زن و مرد وجود ندارد. ملاک سعادت و برتری تقوا، علم و عمل صالح است. زن در جامعه اسلامی مانند مرد می‌تواند تحصیل دانش کند، صاحب ثروت شود و در اموال خود تصرف کند و از راه مشروع به کسب و تجارت دست بزند. زن از نظر معاشرت و شرکت در امور اجتماعی، تا حدودی که با عفت، پاک‌دامنی و فطرت او منافات نداشته باشد، آزاد است. در صدر اسلام، بسیاری از زنان حتی در میدان‌های جنگ حاضر می‌شدند و در کنار جنگیدن مجاهدان، به کارهایی مانند آشپزی، پرستاری، مداوای مجروحان جنگی و ... می‌پرداختند. به طور کلی، جهات مشترکی بین زن و مرد وجود دارد که نمی‌توان آن‌ها را سلب کرد؛ مانند استقلال

حقوق فردی و اجتماعی

ع حق حیات

زن به عنوان انسان و عضوی از پیکره اجتماع، مانند مرد حق حیات دارد. تمام آیاتی که حق حیات و زندگی برای انسان‌ها را ثابت می‌کنند، شامل زن و مرد هر دو می‌شوند. هیچ تفاوتی بین آن‌ها از این نظر نمی‌گذارند و به کسی اجازه نمی‌دهند که این حق را از آنان سلب کند.

خداوند در آیات متعددی کشتن انسان‌ها را حرام کرده است؛ تا آنجا که کشتن یک انسان را، خواه مرد و یا زن، برابر با کشتن همه انسان‌ها می‌داند. می‌فرماید: «من قتل نفسا بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعا»: هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد روی زمین بکشد، مثل این است که همه انسان‌ها را کشته است: (مائده/ ۳۲)

از طرف دیگر، زنده به گور کردن دختران را با شدیدترین لحن مورد مذمت قرار می‌دهد؛ چنان که می‌فرماید: «و اذا الموءودة سئلت بای ذنب قتلت»: و آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود که به کدام گناه کشته شدند (تکویر/ ۸۹)

آیات و روایات در این زمینه بسیار است و این مطلب به خاطر آن است که قرآن کریم زن و مرد را یکی می‌داند و می‌فرماید: «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بث منهما رجلاً کثیراً و نساءً»: ای مردم، تقوای الهی پیشه کنید و از مخالفت با پروردگارتان بپرهیزید؛ همان کس که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را نیز از جنس او خلق کرد و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی روی زمین منتشر ساخت. (نساء/ ۱) و تا آنجا پیش می‌رود که هر گونه نگرش منفی در مورد زنان را محکوم و تقبیح می‌کند و می‌فرماید: «و اذا بشر احدکم بالانثی ظل وجهه مسوداً و هم کظیم یتواری من القوم من سوء ما بشر به ايمسکه علی هون ام یدسه فی التراب الاساء ما یحکمون»: و درحالی که هرگاه به یکی از آن‌ها بشارت دهند دختر نصیب تو شده است، صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می‌شود و به شدت خشمگین می‌گردد و به خاطر بشارت بدی که به او داده شده، از قوم و قبیله خود متواری می‌گردد (و نمی‌داند) آیا او را با قبول ننگ نگه دارد یا در خاک پنهانش کند. چه بد حکم می‌کنند. (نحل/ ۵۸ و ۵۹).

ع حق کرامت

یکی از حقوق اساسی انسان‌ها و از جمله زنان، حق کرامت به معنای حیثیت، احترام و شرافت است و آن بر دو قسم است:

ع کرامت ذاتی: در رابطه با کرامت ذاتی انسان آیات زیادی در قرآن وجود دارد. می‌فرماید: «و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقناکم تفضیلاً»: ما آدمی زادگان را گرامی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و دریا حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از موجودات برتری بخشیدیم. (اسراء/ ۷۰)

ع کرامت ارزشی: در این باره می‌فرماید: «ان اکرمکم عند الله اتقیکم ان الله علیم خبیر»: گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست. خداوند دانا و آگاه است. (حجرات/ ۱۳)

قرآن هیچ تفاوتی بین زن و مرد در این زمینه نگذاشته و ملاک کرامت را تقوا دانسته است. افزون بر اینکه برای حفظ کرامت زن دستورات جنبی دیگری را نیز صادر می‌کند و هرگونه بی‌احترامی و هتک حرمت و از بین بردن آبرو و حیثیت آن‌ها را حرام می‌داند که به دو نمونه آن اشاره می‌کنیم:

ع جلوگیری از تهمت ناروا: «ان الذین یرمون المحصنات الغافلات المؤمنات لعنوا فی الدنیا و الآخرة و لهم عذاب عظیم»: کسانی که زنان پاک‌دامن و مؤمن را به نسبت‌های ناروا متهم می‌سازند، در دنیا و آخرت از رحمت الهی دورند و عذاب بزرگی در انتظار آن‌هاست. (نور/ ۲۳).

ع جلوگیری از نگاه نامشروع: «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم ان الله خبیر بما یصنعون»: به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه کردن به زنان نامحرم و آنچه نظر افکندن بر آن حرام است) فرو گیرند و دامن خود را حفظ کنند. این برای آنان پاکیزه‌تر است. خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است (نور/ ۳۰).

حرمت و احترام زن اقتضای آن را دارد که موردنظر سوء قرار نگیرد؛ زیرا این کار مقدمه تجاوز و بهره‌برداری منفی از او خواهد بود و مفساد اجتماعی، از جمله ناامنی حتی برای خواهر و مادر نگاه‌کننده، به دنبال خواهد داشت.

ع حق مساوی در برابر اجرای قانون

بدین معنا که تمام انسان‌ها، اعم از زن و مرد،

خداوند در آیات متعددی کشتن انسان‌ها را حرام کرده است؛ تا آنجا که کشتن یک انسان را، خواه مرد و یا زن، برابر با کشتن همه انسان‌ها می‌داند

بدون کمترین تفاوت از نظر زبان، جنس، نژاد، مذهب، ملیت، عقیده، وضعیت اجتماعی و ... در برابر قوانین و اجرای آن مساوی هستند. قرآن کریم این مساوات را پذیرفته و هرگونه تفاخر فامیلی، قومی، اجتماعی و ملی را نفی کرده است. می‌فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عند الله اتقاکم»؛ ای مردم، شما را از یک زن و مرد آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. این‌ها ملاک امتیاز نیست. گرمی‌ترین شما پرهیزگارترین شماست (حجرات/ ۱۳).

روشن است که این مساوات از نظر اجرای قانون، یعنی برخورداری و بهره‌مندی از تمام مزایای زندگی مانند پوشاک، مسکن و ... نه اینکه مراد مساوی بودن در سهم باشد و این عین عدل است. عدل وقتی است که با هر کسی به اندازه حقش و به عدالت با او رفتار شود.

ه حق آزادی

یکی دیگر از حقوق طبیعی انسان‌ها، حق آزادی است که اسلام از این حیث نیز بین زن و مرد فرقی نگذاشته است. روشن است که مراد از آزادی در اسلام بی‌بندوباری نیست بلکه آزادی از زنجیرهای بردگی و بندگی غیر خداست.

در یک نظام حقوقی، آزادی انواع و اقسامی دارد که به برخی از آن‌ها اشارت می‌رود:

ه آزادی عقیده: کسی حق ندارد عقیده خویش را به دیگران تحمیل کند. خداوند متعال می‌فرماید: «لا اکراه فی الدین»؛ در قبول دین اکراهی نیست. لذا اسلام به پیروان ادیان دیگر اجازه می‌دهد تا زمانی که متعرض جان، مال و عرض مسلمانان نشده‌اند، در کنار مسلمانان و در کشور اسلامی به‌عنوان اقلیت دینی زندگی کنند.

ه آزادی اندیشه: صدها آیه قرآن انسان‌ها را به تفکر، تعقل و اندیشیدن فرا می‌خواند و روشن است که این آزادی تا زمانی است که به سقوط و بی‌اعتباری اندیشه نینجامد و مزاحم سایر فعالیت‌ها در راستای انسانیت انسانی و ترقی و تکامل او نباشد.

ه آزادی بیان: آزادی بیان یکی دیگر از حقوق مسلم انسانی است ولی باید توجه داشت که آزادی بیان نیز به این معنا نیست که هر شخصی هر چه می‌خواهد، ولو مضر به حال جامعه و افراد و یا اهانت به آن‌ها باشد، بگوید بلکه حدود آن در

اسلام مشخص شده است.

خداوند متعال می‌فرماید: «فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هداهم الله و اولئک هم اولوا الالباب»؛ پس بندگان مرا بشارت ده؛ همان کسانی که سخنان مرا می‌شنوند و از بهترین آن پیروی می‌کنند. اینان کسانی هستند که خداوند هدایتشان فرموده است و اینان همان خردمندانند (زمر/ ۱۸-۱۷).

روشن است که انتخاب و پیروی از بهترین گفتار در جایی ممکن است که آزادی گفتار وجود داشته باشد.

ه حق مالکیت

خداوند متعال می‌فرماید: «للرجال نصیب مما اکتبوا و للنساء نصیب مما اکتبسن و سألوا الله من فضله ان الله کان بکل شیء علیماً»؛ مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند و زنان نیز نصیبی از آنچه به دست می‌آورند (و نباید حقوق هیچ‌یک پایمال شود) شما خواهان فضل خدا باشید که به هر چیز داناست (نساء/ ۳۲).

این آیه به دو نکته اساسی در رابطه با مالکیت اقتصادی زن اشاره می‌کند:

ه استقلال در مالکیت: زنان مانند مردان، مالک کسب و کار و تلاش خود هستند. به این معنا که هرگونه مال و ثروتی که به دست می‌آورند، متعلق به آن‌هاست و کسی در آن دخالت و حقی ندارد؛ مگر اینکه خود آن‌ها اجازه دهند.^۱

لازمه تحقق این سخن آن است که زنان از حق تصرف در اموال خود برخوردار باشند.

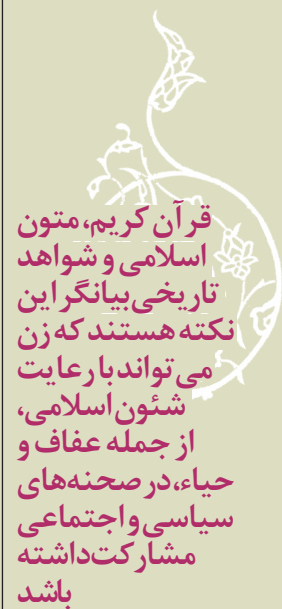
ه فعالیت اقتصادی: همچنین از این آیه به دست می‌آید که زنان حق فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال به کار دارند.

در نتیجه به مقتضای این آیه، هم اکتساب و تلاش آن‌ها تجویز شده است و هم برخورداری و بهره‌مندی از نتیجه کار و تلاش خودشان.

ه حق حضور در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی

الف. آیات قرآنی

قرآن کریم، متون اسلامی و شواهد تاریخی بیانگر این نکته هستند که زن می‌تواند با رعایت شئون اسلامی، از جمله عفاف و حیا، در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت داشته باشد. مثلاً می‌تواند به بیعت با رهبری، امر به معروف و نهی از



منکر و حضور در صحنه‌های اجتماعی برای مراسم مذهبی مانند دعا یا مباحله مبادرت کنند. در این زمینه می‌توان به حضور برخی زنان در جنگ‌های صدر اسلام، مبارزات سیاسی حضرت فاطمه زهرا (س) به‌عنوان الگوی زنان و دخترش زینب (س) و ... اشاره کرد.

در آغاز آیاتی که به نوعی به حضور زن در اجتماع اشارت نموده‌اند، بیان می‌شوند:

﴿آیة بیعت: خداوند متعال می‌فرماید: «یا ایها النبی اذا جاءک المؤمنات یتابعنک علی ان لا یشرن کن بالله شیئاً و لا یسرقن و لا یزینن و لا یقتلن اولادهن و لا یأتین بیهتان یفتیرنه بین ایدیہن و ارجلہن و لا یعصینک فی معروف فبایعہن و استغفر لہن اللہ»: ای پیامبر، هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افترا به زنان (به اینکه آن‌ها فرزند نامشروع دارند) نزنند، و در هیچ کار شایسته‌ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آن‌ها (زنان) بیعت کن و برای آن‌ها از درگاه خدا آمرزش بطلب. (ممتحنه/ ۱۲)

﴿آیة امر به معروف و نهی از منکر: این وظیفه اجتماعی تمام اهل ایمان اعم از زن و مرد است؛ چنان که خداوند مؤمنان را به این وظیفه توصیف نموده است و می‌فرماید: «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یا مرون بالمعروف و ینہون عن المنکر ...» مردان و زنان با ایمان ولی (یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و ... (توبه/ ۷۱).

﴿آیة مباحله: مخالفان پیامبر (ص)، از جمله مسیحیان «نجران» درصدد امتحان آن حضرت برآمدند و با پرسش‌هایی درباره حضرت عیسی (ع) نزد رسول خدا (ص) آمدند. پس از اینکه پاسخ‌های متقن شنیدند، باز هم به مخالفت ادامه دادند. در اینجا خداوند به پیامبر (ص) دستور داد که هرگاه پس از این استدلال‌ات روشن، کسی درباره عیسی (ع) با تو گفت‌وگو کند و به جدال برخیزد، به او پیشنهاد «مباحله» کن. یعنی در پیشگاه خدا با تعرض بخواهند که دروغ‌گو را رسوا سازد و مجازات کند. در این مراسم مذهبی دختر پیامبر، فاطمه زهرا (س) نیز همراه آن حضرت حضور داشت.

خداوند می‌فرماید: «فمن حاجک فیہ من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل

لعنت اللہ علی الکاذبین»: هرگاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده (کسانی با تو به ستیز برخیزند)، به آن‌ها بگو بیایید ما فرزندان خود را دعوت می‌کنیم و شما هم فرزندان خود را. ما زنان خویش را دعوت نماییم و شما هم زنان خود را. ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود. آن‌گاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم (آل عمران/ ۶۱).

ب. شواهد تاریخی

افزون بر آیات قرآنی، شواهد تاریخی حاکی از حضور زن در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی است که به چند نمونه آن اشارت می‌رود:

﴿زنان در جنگ‌های صدر اسلام، از جمله «جنگ احد»، حضور داشتند و به پرستاری و مداوای مجروحان مشغول بودند که از جمله آن‌ها از «نسیبه جراحه» نام برده شده است.

﴿حضور سیاسی فاطمه زهرا (س) در برابر مخالفان و سخنرانی آن بانوی نمونه اسلام برای احقاق حق و دفاع از ولایت در مسجد مدینه، خود گواه گویایی بر حضور زن در مسائل مهم اجتماعی - سیاسی است.

﴿نمونه دیگر، حرکت زینب کبری (س) در قیام عاشورا و دفاع همه‌جانبه آن بانوی بزرگ اسلام از دین و امامت است. سخنرانی‌ها، خطبه‌ها و احتجاجات این زن شجاع از خاندان عصمت و طهارت در برابر عبیدالله بن زیاد و یزید، دلیلی روشن بر نقش زن در مسائل اجتماعی و سیاسی است.

ج. شرایط حضور سیاسی و اجتماعی بانوان

زنان همانند مردان می‌توانند در صحنه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حضور یابند و در زمینه‌های مختلف فعالیت داشته باشند ولی این حضور بدون قید و بند نیست بلکه برای از بین بردن استفاده‌های منفی از زن و نیز به فساد کشیده نشدن جامعه، شرایطی در اسلام برای آن بیان شده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

﴿حفظ حجاب و پوشش: «یا ایها النبی قل لاوزاجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیہن من جلابیہن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین؛ ای پیامبر، به همسران و دختران و زنان مؤمن بگو که جلباب‌های (روپوش‌ها یا روسری‌های بلند) خود را

زنان در جنگ‌های صدر اسلام، از جمله «جنگ احد»، حضور داشتند و به پرستاری و مداوای مجروحان مشغول بودند که از جمله آن‌ها از «نسیبه جراحه» نام برده شده است

در تعالیم قرآن زن همانند مرد از روح کامل انسانی، آزادی در اراده و استقلال در عمل برخوردار است. به عبارت دیگر، قرآن برای زن حق رشد و تعالی معنوی قائل است



بر خویش افکنند (و حجاب خویش را کامل کنند). این کار برای اینکه به عفاف شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است (احزاب/ ۵۹).

پرهیز از سخن گفتن هوس انگیز: «... فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولا معروفا» پس به گونه‌ای هوس انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند و به نحو نیکو و شایسته (با وقار و متانت) سخن گویند. (احزاب/ ۳۲). پرهیز از نگاه حرام به مردان: «قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن ...» به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند و دامن خویش را حفظ کنند. (نور/ ۳۱).

پرهیز از هرگونه جلوه‌گری، خودنمایی و افسونگری: باید از هرگونه عاملی که موجب جلب نظر و توجه نامحرم شود، مثل آشکار ساختن زینت‌ها و زیورها، راه رفتن به سبک خاص، پوشیدن لباس‌های جلف و تحریک‌کننده، استعمال عطریات مفسده‌انگیز، آرایش در مقابل نامحرم، و ... اجتناب شود.

خداوند متعال می‌فرماید: «و لا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن ... و لا یضربن بارجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن ...»: و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار نسازند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشیده شود) و .. هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا اینکه زینت‌های پنهانی آن‌ها دانسته شود (و صدای خلخال که به پا دارند، به گوش رسد) ... (نور/ ۳۱).

«و قرن فی بیوتکن و لا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولى»: و در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید (و به خودنمایی و جلوه‌گری نپردازید).

رعایت عفاف و پاک‌دامنی: حضور در صحنه‌های اجتماعی مشروط به عفت است و عقیف کسی است که در برابر وسوسه‌ها و کشش‌های نفسانی، خود نگهدار باشد و خود را از خطا و انحراف نگه دارد. اگر عواملی موجب وسوسه و تحریک نفس شوند، اهل ایمان باید همواره مواظب خود باشند که

منحرف نشوند و فرمان نفس خویش را در رعایت عفاف در دست داشته باشند. بر همین اساس، قرآن کریم به کسانی که به خاطر مشکلاتی موفق به تشکیل خانواده نشده‌اند سفارش می‌کند که عفاف خویش را کنترل کنند: «ولیستعفف الذین لا یجدون نکاحا حتی یغنیهم الله من فضله»: و کسانی که برای ازدواج امکانی نمی‌یابند، باید پاک‌دامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آن‌ها را بی‌نیاز گرداند. (نور/ ۳۳).

حقوق معنوی

در تعالیم قرآن زن همانند مرد از روح کامل انسانی، آزادی در اراده و استقلال در عمل برخوردار است. به عبارت دیگر، قرآن برای زن حق رشد و تعالی معنوی قائل است (تحریم/ ۶). آیات قرآنی فراوانی مانند: غافر/ ۴۰، نحل/ ۹۷، نساء/ ۱۲۴، آل عمران/ ۱۹۵، احزاب/ ۳۵ و تحریم/ ۶ به این بُعد از حقوق زنان اشاره کرده‌اند که نمونه‌ای از آن‌ها عبارت‌اند از:

نحل/ ۹۷: «من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنجینه حیهة طیبه و لنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون»: هرکس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، درحالی‌که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و به بهتر از آنچه عمل می‌کرد، پاداش می‌دهیم.

نساء/ ۱۲۴: «و من یعمل من الصالحات من ذکر او انثی و هو مؤمن فاولئک یدخلون الجنة و لا یظلمون نقیراً»: و کسی که چیزی از اعمال صالح انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، درحالی‌که ایمان داشته باشد، چنان کسانی داخل بهشت می‌شوند و کمترین ستمی به آن‌ها نخواهد شد.

احزاب/ ۳۵: «ان المسلمین و المسلمات و المؤمنین و المؤمنات و القانتین و القانتات و الصادقین و الصادقات و الصابریین و الصابرات و الخاشعین و الخاشعات و المتصدقین و المتصدقات و الصائمین و الصائمات و الحافظین فروجهن و الحافظات و الذاکرین الله کثیراً و الذاکرات اعد الله لهن مغفرة و اجرا عظیماً»: به یقین مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راست‌گو و زنان راست‌گو، مردان شکیب‌ا و زنان شکیب‌ا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق‌کننده و زنان انفاق‌کننده، مردان

روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاک‌دامن و زنان پاک‌دامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است. روشن است که خداوند در این آیات زنان را در پاداش‌های معنوی و سعادت اخروی مانند مردان مورد خطاب قرار داده و حقوق مساوی با مردان برای آن‌ها در نظر گرفته است.

حقوق خانوادگی

الف. تعلیم و تربیت

نخستین حق از حقوق خانوادگی زنان، حق تعلیم و تربیت است و این دستور شامل زمانی است که زن در خانه پدر زندگی می‌کند و تا زمانی که به‌عنوان همسر وارد خانه شوهر می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم ناراً و قودها الناس و الحجاره»: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خود را از آتش جهنمی که آتشگیره آن انسان‌ها [ای مجرم] و سنگ‌ها (بت‌ها) هستند، نگه دارید. (تحریم / ۵).

بدیهی است حفظ آن‌ها از آتش جهنم در سایه تعلیم و تربیت صحیح و درست خواهد بود و این حقی است که اهل خانه بر انسان دارد. در آیه دیگر می‌فرماید: ان الخاسرین الذین خسروا انفسهم و اهلیهم يوم القيامة: بگو زیان‌کاران واقعی آنان‌اند که سرمایه وجود خویش و بستگانشان را در روز قیامت از دست داده‌اند. (زمر / ۱۵).

ب. ازدواج و انتخاب همسر

زنان بر خانواده خویش و حکومت این حق را دارند که آن‌ها اسباب ازدواجشان را فراهم و به زنان در این راه کمک کنند. قرآن می‌فرماید: «و انکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و امائکم ان یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله» (نور / ۳۲). از طرف دیگر، حق ازدواج و انتخاب همسر را به اختیار خود آن‌ها گذاشته است و کسی آن‌ها را در این کار مجبور نمی‌کند. خداوند متعال می‌فرماید: و هنگامی که عده وفات سر رسید (چهار ماه و ده روز) گناهی بر شما نیست که (این زنان) هرچه می‌خواهند، درباره خودشان به‌طور شایسته انجام دهند و با مرد دلخواه ازدواج کنند. (بقره / ۲۳۴).

ج. معاشرت نیکو

خداوند متعال در این مورد می‌فرماید: «... و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف»: و برای زنان همانند وظایفی که بر دوش آن‌هاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده است (که باید مردها آن‌ها را رعایت کنند). (بقره / ۲۲۸)

در واقع، این بخش از آیه به وظایف متقابل مرد و زن نسبت به یکدیگر و به عبارت دیگر، به احترام متقابل زن و مرد در همه محیط‌ها اشاره می‌کند که خود نوعی از معاشرت نیکوست. در آیه دیگر می‌فرماید: «و عاشروهن بالمعروف»: و با آنان (زنان) به‌طور شایسته رفتار کنید. (نساء / ۱۹).

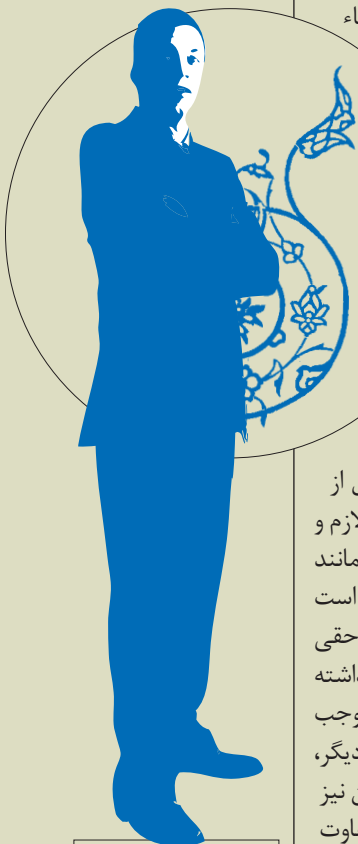
معاشرت به‌طور شایسته حقی است برای زنان که طبق این آیه مردان موظف به رعایت آن در تمامی صحنه‌های مختلف زندگی هستند.

د. ارث

قرآن کریم برای هر زن و مرد، هردو حق ارث قائل است. خداوند متعال می‌فرماید: «للرجال نصیب مما ترک الوالدان و الاقربون و للنساء نصیب مما ترک الوالدان و الاقربون مما قل منه او کثیر نصیباً مفروضاً»: مردان سهمی از اموالی که پدر و مادر و نزدیکان به جای می‌گذارند دارند و زنان نیز سهمی از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می‌گذارند دارند. خواه کم باشد یا زیاد، این سهمی تعیین‌شده و لازم است که باید داده شود. (نساء / ۷).

آیه فوق رسم غلط اعراب جاهلی را در محروم ساختن زنان و فرزندان خردسال از ارث باطل می‌سازد و حق ارث را برای آنان لازم و واجب می‌داند. لازم به یادآوری است که زن مانند مرد به‌عنوان جزء کامل جامعه انسانی مطرح است ولی لازمه جزء کامل بودن این نیست که هر حقی را که جزء دیگر در جامعه دارد، آن فرد نیز داشته باشد. زیرا اختلاف افراد در وزن اجتماعی، موجب تفاوت حقوق اجتماعی آن‌ها و از طرف دیگر، موجب پیشرفت جامعه می‌شود. حقوق مردان نیز به‌طور طبیعی بر حسب وزن اجتماعی متفاوت خواهد شد (علامه طباطبائی)

ان الخاسرین
الذین خسروا
انفسهم و اهلیهم
يوم القيامة: بگو
زیان‌کاران واقعی
انان‌اند که سرمایه
وجود خویش و
بستگانشان را در
روز قیامت از دست
داده‌اند. (زمر / ۱۵)



پی‌نوشت

۱. برای توضیح بیشتر ر.ک: المیزان، ج ۴، در تفسیر آیه ۳۲ سوره نساء.